

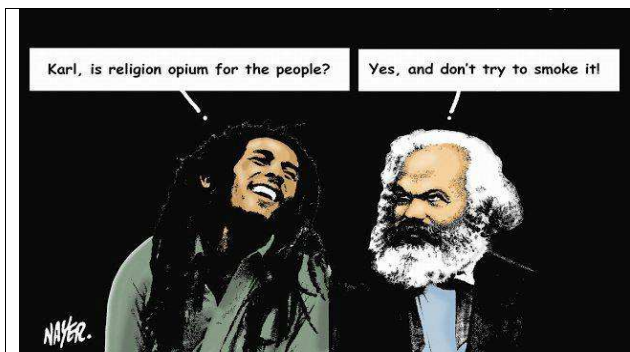
چرا «وانداد زهیری» [Vandad Zahiri](#) این قدر برخوردهای خصمانه می کند؟

اول این که هر کس اگر دانش آموز خوبی باشد حتما معلم خوبی هم می تواند باشد. منظور از این حرف این است شما نه برای یادگرفتن و نه برای یاددادن به این فیسبوک نمی آید بلکه قصد شما در این جا فقط خرابکاری می باشد. درست و صادق بودن اولین شرط همکاری مارکسیست هاست. در این که من و یا شما اگر ادعای مارکسیست بودن در فیسبوک بکنیم، عملکرد ما در فیسبوک نشان دهنده این خواهد بود و دیگران از این طریق می توانند ما را بشناسند و در این چهارچوب است که هر حرفی که ما می زنیم سریع می فهمند که منظورمان چیست. من در عجب بودم که شما چرا چنین خصمانه در این اطاق و با سفسطه و لجاجت تمام برخورد می کنید و سعی دارید تا هیچ کسی وارد فیسبوک یاشار آذری نشود و به همین خاطر من گشت و گذاری در فیسبوک شما کردم و به این نتیجه رسیدم شما ادعای مارکسیست بودن می کنید ولی در فیسبوک به غیر از یک عکس از مارکس روز تولدش در ۶ می ۲۰۱۶ با زیرنویس **Happy birthday Karl Marx** و مطلب دیگری به تاریخ ۲۷ ژانویه ۲۰۱۶ فقط عکس یک گربه که یک کتاب انگلیسی را به نام «بیانیه کمونیست» که شما منکر چنین کتابی با چنین اسمی بودید، در حال خواندن است، با این زیرنویس **We have nothing to lose but our collars** عکس شماره ۱ که در زیر ضمیمه می باشد و مطلب سوم شما به تاریخ ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۴ نوشته ای از گرامشی در مورد مارکس به تیترا «مارکس ما» و مطلب چهارم شما در تاریخ ۶ یونی ۲۰۱۴ که عکس مارکس با بوب مارلی که عکس شماره ۲ در زیر ضمیمه می باشد. یعنی در عرض بیش تر از دو سال چهار مطلب آبکی و... از مارکس، ولی صدها خبر و گزارش آنارشیشستی، یعنی با همه این که شما ادعای مارکسیست بودن دارید ولی فیسبوک شما نشان دهنده آنارشیشست بودن شما را می دهد یعنی تقریباً آنارشیشست بودن شما خیلی خیلی قوی تر از مارکسیست بودن شما می باشد، و هر کسی که از فیسبوک شما دیدن کند به صحت گفته های من پی خواهد برد و گفتار خصمانه شما هم از این جاست که فیسبوک یاشار آذری در اشاعه مارکسیزم و علیه آنارشیزم کوشش به عمل می آورد و این کار یاشار آذری به مزاج شما ناخوشایند است، و شما برای متفرق کردن کسانی که به این جا رجوع می کنند دست به هر کاری می زنید ولی این کار شما فقط شما را خراب خواهد کرد و وقتی در تأیید گفته های شما بر نمی آید، شما را بیش تر عصابی کرده و حتی به سخنانی مانند «دشمن دانا بهتر از دوست نادان است» دست می زنید، یعنی شما دشمن دانا هستید و کسانی که این جا آمده و یا مطالب را کلیک می کنند دوستان نادان می باشند. با این نوع کارها شخصیت خودتان را زیر سوال می برید، فقط همین.

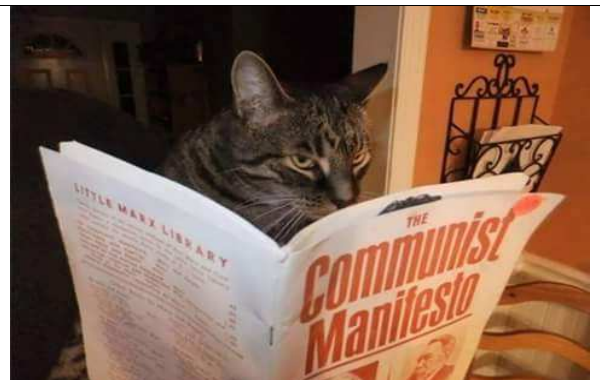
اما یک سوال از شما «وانداد زهیری» چرا در فیسبوک خودتان برای اشاعه مارکسیزم کوشش نمی کنید ولی در فیسبوک یاشار آذری از هر کسی دیگری مارکسیست تر می شوید یا چنین ادعا می کنید، لطفاً اگر من در فیسبوک خودم بد مارکسیزم را اشاعه می دهم، لطفاً حتی شده از امروز، بهتر از من در فیسبوک ات مارکسیزم را اشاعه بده تا من شرمزده شوم.

و اما برگردیم به انتقادات شما اولاً این سخنان را لنین گفته که از نظر شما «مزخرفات تحت لوای مارکسیسم است» البته نظر شماست به عنوان یک آنارشیشست -مارکسیست می باشد نه واقعیت (حالا درصد آنارشیشست یا مارکسیست بودن شما را هر کسی بعد از دیدن فیسبوک «وانداد زهیری» خودش حدس می زند.) و شما با گذاشتن لنین در صف «رویزیونیسم» تازه هم به «رویزیونیسم» اعتبار می دهید و هم رویزیونیزم واقعی را از زیر تیغ انتقاد خلاص می کنید و از شما بعید نیست که لنین و استالین را هم در یک صف قرار بدهید و در ثانی شما طوری بازگو می کنید که انگار لنین آن را برای هر

شرایطی گفته است، و آن را از محتوا خالی می‌کنید. یعنی آن را از شرایط زمانی و مکانی آن جدا می‌کنید، در واقع به یک کار غیراصولی دست می‌زنید، چرا؟ اولاً روسیه در ۱۹۱۷ طبقه ی کارگر این کشور، طبق کتاب «ده روزی که انقلاب را لرزاند» که مورد تأیید لنین بود، ۴ میلیون برآورد شده و طبق تاریخ حزب کمونیست روسیه در زمان استالین طبقه کارگر روسیه در ۱۹۱۷، ۱۰ میلیون برآورد شده و این در صورتی است که اکثر رهبران انقلابی کارگران در جبهه های جنگ برای دفاع از انقلاب گشته شدند و در مقابل این بیش از صد میلیون دهقان داریم که اولین انقلاب را پیش روی خود داشتند، و بدون توافق و جلب دهقانان به انقلاب سوسیالیستی در دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیزم برگشت به سرمایه داری حتمی بود، و تضمین پیروزی انقلاب کارگری -سوسیالیستی گسترش آن در سطح جهانی است، بدون گسترش انقلاب در دیگر نقاط جهان، شکست آن باز حتمی است و به همین خاطر لنین گفته که «ما واقفیم تا هنگامی که انقلاب در دیگر کشورها فرا نرسد تنها موافقت با دهقانان است که می تواند انقلاب سوسیالیستی در روسیه را نجات دهد.» یعنی تا پیروزی انقلابات در دیگر نقاط جهان باید خود را سرپا نگهدارد. و یا به قول لنین: "پر ما آشکار بود که بدون یاری انقلاب جهانی، پیروزی انقلاب پرولتاریائی ناممکن است، حتی پیش از انقلاب - چنان که پس از آن- می اندیشیدیم که انقلاب یا بلافاصله و یا بسیار زود در دیگر کشورهای واپس مانده - و نیز کشورهای سرمایه داری پیشرفته تر- رخ خواهد نمود و یا ما نابود خواهیم شد. با وجود این باور، حداکثر کوشش خود را به کار بردیم تا نظام شوروی را زیر هر شرایط و به هر بهائی - نگاهداری کنیم، چه می دانیم این کار را نه برای خود بلکه برای انقلاب جهانی انجام می دهیم." (کلیات، جلد ۱، قسمت اول، ص ۳۲۱).



عکس شماره ۲



عکس شماره ۱